

روْیایِ خونین «اسرائیلِ بزرگ»



بنیامین نتانیاو، نخست‌وزیر رژیم صهیونی شاید تا چند سال قبل فکرش راهم نمی‌کرد که به این سهولت بتوانند دست‌به‌نسل کشی در غزه بزنند. او دست به این کار زو و حالا که تبعات نه‌چندان زیادش را دیده، در خصوص دیگر قضایای نیز بی‌محابا عمل می‌کند. او روز چهارشنبه هفته قبل در جریان یک مصاحبه تلویزیونی تأکید کرد که به آرمان ادعایی تشکیل اسرائیل بزرگ پایبند است؛ آرمانی که لازمه آن اشغال و بلعیده‌شدن چند کشور بزرگ و کوچک در منطقه است. بنرتل اسموتریچ، وزیر دارایی و یکی از دو ستون راست‌های افراطی در کابینه نتانیاوو در مارس ۲۰۲۳ در جریان سخنرانی‌ای در پاریس نقشه‌ای به‌نمایش گذاشت که نشان‌دهنده مرزهای ادعایی اسرائیل بزرگ بود و شامل سوریه و اردن می‌شد. اسموتریچ در سال ۲۰۱۶ و زمانی که نماینده پارلمان بود در یک مصاحبه الحاق سوریه، لبنان، اردن، عراق، بخش‌هایی از مصر و عربستان سعودی را لازمه تحقق روْیای صهیونیستی از نیسل تا فرات توصیف کرده بود. این اداها با عملیات‌های بزرگ نظامی توسط صهیونیست‌ها پشتیبانی می‌شود؛ اما در مقابل اظهارات و اقدامات واضح رژیم صهیونی، دولت‌های عربی تنها از ابراز محکومیت دیپلماتیک بهره می‌برند. دولت سعودی که به‌تازگی اظهارات نتانیاوو را محکوم کرده در روزهای اخیر درگیری‌ک رسوایی عظیم‌بود؛ جایی که کارکنان یک بندر در ایتالیا با تجمع روی یک کشتی حامل سلاح برای رژیم صهیونی، مانع حرکت آن شدند؛ اما مشخص شدن این کشتی به‌سودی‌ها تعلق دارد و آن‌ها نقش مهمی در پشتیبانی نظامی – اقتصادی از تل آویو ایفا می‌کنند. نخست‌وزیر رژیم صهیونی با مشاهده این اوضاع است که در باره گسترش جغرافیایی دولتش خیال‌پردازی می‌کند؛ اما علاوه بر دولت‌هایی همچون سعودی در منطقه، محور مقاومت نیز در غرب آسیا حضور دارد؛ محوری که در جریان جنگ طوفان الاقصی ضربات سنگینی بر رژیم‌رویز وارد آورده است.

چرا طرح اسرائیل بزرگ مطرح شد؟

دلایل مختلفی وجود دارند که ابتدا باید مطرح شده و سپس وزن کشتی شوند.

شعار همیشگی

طرح اسرائیل بزرگ طرح همیشگی صهیونیست‌هاست؛ اما در شرایط کنونی که آن‌ها جنگ را به منطقه گسترش داده‌اند، طرح مجدداً دوباره مورد توجه قرار گرفته است.

۲ تشخیص فرصت

فروپاشی سوریه و ضعف شدید جولانی و ترکیه در برابر رژیم صهیونی باعث شده فکر کنونی می‌توانند جنوب سوریه را در دست گرفته و به فرات متصل شوند. آن‌ها یک سناریوی محتمل با توجه به اوضاع در نظر گرفته‌اند؛ الحاق جنوب و شرق سوریه و غرب عراق که کم‌جمعیت‌ا امیر از منابع زیرزمینی هستند.

۳ اعمال فشار برای معامله پذیر کردن دولت‌های عربی

تهدید به گسترش اسرائیل به‌منوی طرح فشار-پیشنهاد است. دولت‌های منطقه باید تصمیم بگیرند تمام یا بخشی از خاک و حاکمیت خود را بدهند. فلسطین به طور کامل، لبنان، جنوب لیبانی، سوریه؛ استان‌های جنوبی و شرق، عراق؛ غرب و عربستان شاید ناحیه شمال، شامل تیوک را باید در اختیار صهیونیست‌ها قرار دهند. صهیونیست‌ها با اعمال فشار دولت‌های عربی را معامله پذیر کرده و در نهایت منفعتی کسب می‌کنند. آن‌ها پیش‌تر نیز در حین جنگ طوفان الاقصی با وسیع توصیف کردن خاک عربستان از سعودی‌ها خواسته بودند بخشی از آن را برای اسکان فلسطینی‌ها اختصاص دهند.

۴ حل و فصل مشکلات جمعیتی با وعده گسترش

رژیم صهیونی احساس می‌کند در معرض موج مهاجرت معکوس است یا با کمبود جمعیت مواجه شده است؛ از این رو خواهان جلب چند میلیون جمعیت صهیونیست‌پیش‌تر است.

قاعده جمعیتی را که رژیم می‌تواند جلب کند نباید بر اساس ۱۸ یا ۱۹ میلیون یهودی در جهان دید. برخی از افرادی که در شمار مسیحیان هستند، با اثبات وجود خون یهودی، ازدواج یا یهودیان و یا گرویدن به دین یهودی خواهند توانست به غرب آسیا آمده و از مواهب سرزمین‌های تازان تصرف‌شده بهره‌برند.

۵ افزایش بسیج داخلی

تعیین هدف گسترش به بسیج داخلی برای حل و فصل مشکلات موجود کمک می‌کند. براس این اساس نتانیاوو در صدد هدف گذاری تاریخی برای برانگیختن شور و هیجان صهیونیست‌هاست تا بتواند از انرژی ایجادشده برای تداوم جنگ بهره‌گیرد.

۶ القای حل مشکلات کنونی

نتانیاوو می‌خواهد القا کند که مشکل غزه، لبنان و سوریه حل شده و براین اساس است که او به فکر گسترش در مقطع کنونی افتاده است.

از نیل تا فرات؛ نقشه‌ای که با اشغال، کوچ اجباری و معامله‌گری با دولت‌های عربی دنبال می‌شود

۷ توازن بخشی به مناسبات یهودی

تعادل میان دو طیف قدرتمند یهودیان نیازمند تنظیم است. این دو طیف شامل یهودیان آمریکانشین و یهودیان فلسطین‌نشین می‌شود. اگر رژیم صهیونی هرزین‌ترا باشد یهودیان آمریکانشین به دلیل ارانه کمک به تل آویو اهمیت می‌یابند؛ اما اگر رژیم صهیونی با ادعای توسعه در واشنگتن اهمیت یابد، این قضیه موازنه می‌شود.

۸ بازیابی در غرب با شعارهای تاریخی-تمدنی

نتانیاوو دنبال بازیابی است و قصد دارد با تصویب سازی از خود به‌عنوان یک سیاستمدار غربی در حال جنگ در منطقه، کمک دولت‌های غربی را بیشتر از گذشته جذب کند.

۹ دکتربن مونیرو در غرب آسیا علیه دول اروپایی و قدرت‌ها

به‌زعم نتانیاوو او در حال ترسیم دکتربن مونیرو در منطقه است و دول اروپایی باید برای حفظ منافع خود راهی تل آویو شوند. جیمز مونیرو، رئیس‌جمهور آمریکا در اوایل قرن نوزدهم با درپیش گرفتن سیاستی خاص از دولت‌های اروپایی خواست در امور قاره آمریکا دخالت نکنند. نتانیاوو مشابه با این وضعیت در حال تعیین مرزهای خیالی است، اما می‌خواهد به ذی‌نفعان منطقه‌ای بگوید منافعش در منطقه شام بر آن‌ها اولویت دارد؛ این مسئله به طور ویژه در قبال سوریه اهمیت دارد که با سقوط اسد در معرض تقسیم میان قدرت‌های فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای قرار گرفته است.

۱۰ تعمیق رابطه با راست‌گرایان افراطی در داخل و خارج

از نظر داخلی نتانیاوو در صدد جلب نظر راست‌گرایان است. از نظر خارجی نیز او خواهان جلب توجه او انانجلیست‌ها و موعودگرایان مسیحی است.

۱۱ شکستن روحیه مقاومت فلسطین

درهم شکستن روحیه فلسطینی‌ها احتمالاً یک ضلع مهم است. فلسطینی‌ها فارغ از رقابت صهیونیست‌ها با دیگر کشورها و ملت‌ها، دیر باترین، پردردس‌ترین و نزدیک‌ترین دشمن صهیونیست‌ها هستند. تل آویو با ادعای اسرائیل بزرگ می‌خواهد به فلسطینی‌ها القا کند قضیه فلسطین تمام‌شده است.

۱۲ شاید در پس پرده صهیونیست‌ها تحولاتی مشاهده کرده‌بود این اظهارات

ضمن تهدید در صدد دست‌آزاده دول عربی هستند.

۱۳ القای پیروزی بر ایران

نتانیاوو می‌خواهد القا کند پس از جنگ با ایران به هدف گسترش مرزهای رژیم صهیونی نزدیک‌شده تا این مسئله در اذهان تقویت شود که تل آویو پیروز جنگ بوده است.

۱۴ گسترش یا خطر موجودیتی

رژیم صهیونی برای حفظ موجودیت خود در سبایه تحولات جهانی نیازمند راهی از وابستگی بالا به قدرت‌هاست. صهیونیست‌ها برای حمله به دشمنان همواره به قدرت‌ها متصل شده‌اند. رژیم نیاز در ابرازی زمانی که کمک‌ها به آن را کاهش دهند، به منابع انرژی برسد. همچنین برای توسعه جمعیتی نیازمند منابع آب در جنوب لبنان، جنوب سوریه، فرات و حتی مناطقی از شمال عراق است. نتانیاوو هم‌زمان با اظهاراتش در باره روْیای اسرائیل بزرگو اشغال کشورهای منطقه، تأکید کرده‌بود در جنگ کنونی که شامل چند عرصه می‌شود، رژیم صهیونی باید پیروز شده و یا نابود خواهد شد.

۱۵ واکنش به طرح‌های مهار و محدودکننده

خودسرری‌های رژیم صهیونی باعث شده اجماعی جهانی فارغ از آمریکابرای کنترل رژیم صهیونی شکل گیرد. دولت‌های حاضر در این اجماع هم‌نظر نبوده و الزاماً مشکلی با جانیات‌های رژیم ندارند؛ بلکه از خودسری و فرمان‌ناپذیری آن خشم‌مگینند؛ این ناخشنودی بیشتر مربوط به قدرت‌های اروپایی مانند فرانسه و انگلیس است. دولت‌های حاضر در این اجماع جهانی راهکار مهار رژیم صهیونی را محدود کردن آن از طریق برجسته‌سازی راهکار دو دولتی می‌دانند این طرح عملاً رژیم صهیونی را در درون سرزمین فلسطین حبس کرده و وسعتش را به بخشی از این سرزمین محدود می‌کند.

ابعاد جغرافیایی

حدود مرزهای ادعایی اسرائیل بزرگ در سه بخش قابل بررسی است.

۱ مرزهای منطق یا شعار

از نیل تا فرات بر اساس ادعاهای گذشته صهیونیست‌ها تبدیل به شعار شده است؛ اما خود آن جدا از استدلال‌های تاریخی یکی از منابع تعیین مرزهای اسرائیل بزرگ است. این شعار جهت‌های شرقی و غربی مرزها را نشان می‌دهد و بر اساس مرزهای رژیم باید غرب عراق و شرق مصر را در بگیرد. با این حال چنین مرزهایی بر اساس شعار قابل تصوره نیست زیرا کمتر حکومتی است که تا فرات پیشروی کرده و توانود صدها کیلومتر در سمت‌دیگرش پیشروی کند.

۲ مرزهای تاریخ ادعایی

روندهای تل و فرات پیش‌تر یک نماد هستند؛ شعار نیل تا فرات به این معنا نیست که مرزهای حکومت ادعایی و تاریخی اسرائیل محاس بر این دو بوده است.

برخی نقشه‌های منتشرشده از اسرائیل از دجله فراتر رفته و نیمه‌غربی ایران تا مرکز را نیز در بر می‌گیرند. فارغ از آنچه واقعاً در تاریخ رخ داده استست، اگر بر اساس ادعای صهیونیست‌ها بحث شود، آن‌ها با استدلال‌هایی مانند تبعیت برخی حکومت‌ها از فرامین دولت تاریخی اسرائیل، این حکومت‌ها، اقوام و قبایل را جزئی از آن به حساب می‌آورند که تعریفی موسع است. براین اساس حکومت قدیم یا به زحمت فرامش تا نیل و فرات پذیرفته می‌شده و یا پذیرش آن از این دو رود فراتر می‌رفته است.

۳ مرز محتمل امروزی

صهیونیست‌ها از جهت شمال و جنوب چندان قادر به پیشروی نیستند. از سوسی دیگر مصر دارای ۱۰۰ میلیون جمعیت است و همچنان رشد بالایی دارد. از این رو توسعه به سمت غرب برای کنترل شرق مصر و رسیدن به رود نیل غیر ممکن است؛ چه اینکه پیش‌تر تسلط بر صحرای سینا به‌عنوان پیش‌زمینه حرکت به سمت نیل در نهایت به شکست انجامیده است.

با این حال توسعه به سمت شرق محتمل دانسته می‌شود. کرانه باختری ۳/۵ میلیون فلسطینی، اردن ۱۰ میلیون جمعیت و جنوب سوریه کمتر از ۲ میلیون جمعیت دارند. در اینجا باید ۲/۱ میلیون ساکن غزه و ۷۰۰ هزار نفر ساکن جنوب لبنان را هم افزود. در مجموع صهیونیست‌ها باید جمعیت تقریبی حدود ۲۰ میلیون نفری را اخراج کنند. چند اتفاق باعث شده آن‌ها این هدف را قابل تحقق بدانند:

نخست آن‌که در ابتدای تأسیس رژیم صهیونی در ۸ه دیقهیل ۵۰۰ هزار فلسطینی اخراج شدند. دوم آن‌که در تحولات سوریه به سمت کم‌په میلیون‌سوری از کشورشان خارج شدند. بر اساس این دو اتفاق صهیونیست‌ها اخراج و راندن جمعیت ۲۰ میلیون نفری را امکان‌پذیر می‌دانند. در این طرح توسعه صهیونیست‌ها بر جنوب شام مسلط شده و جمعیت آن را به شمال شام، عراق، ترکیه و حاشیه جنوبی خلیج فارس و حتی آفریقا و اروپا آواره می‌کنند.

نوع کنترل

صهیونیست‌ها در صورتی که قادر به پیشروی بیشتر در منطقه باشند، چند سناریو برای مواجهه با ساکنان خواهند داشت.

۱ اخراج کامل

اخراج کامل جمعیت فلسطینی‌های سرزمین ۱۹۴۸ و ۱۹۶۷ در کرانه باختری و غزه از نگاه صهیونیست‌ها ضروری بوده و اخراج ساکنان اردن و جنوب سوریه با تلاش امکان‌پذیر است.

در مقیاسی کوچک‌تر از ادعای اسرائیل بزرگ که همان کنترل کامل صرفاً بر تمام فلسطین اشغالی می‌شود، صهیونیست‌ها در صدد اخراج فلسطینی‌های سرزمین ۱۹۴۸ به لبنان، ساکنان غزه به شبه جزیره سینا در مصر و ساکنان کرانه باختری به اردن بودند. هر چند این اهداف تاکنون محقق نشده‌اند؛ اما حرکت به سمت آن مدت‌ها قبل آغاز شده است. اشغال جنوب لبنان و سپس جنگ سال ۲۰۰۶ و ۲۰۲۲ در همین راستا نبوده.

۲ کنترل حاکمیتی بر جمعیت

صهیونیست‌ها هم‌اکنون چند مدل کنترل جمعیتی را اجرایی می‌کنند؛ فلسطینی‌ها در سرزمین ۱۹۴۸ و سوری‌ها در بلندی‌های جولان تابعیت رژیم صهیونی را در اختیار دارند. در کرانه باختری یک نظام کنترل چندلایه در قالب سه منطقه ای، بی‌وسی اعمال می‌شود. در غزه روش اعمال کنترل، محاصره است. در جریان اشغال جنوب لبنان نیز شیوه‌های مختلفی امتحان شدند؛ از اخراج جمعیتی تا ایجاد گروهی از مزدوران مسیحی که در جنوب لبنان نسبت به شیعیان در اقلیت بودند.

۳ دولت دست‌نشانده

صهیونیست‌ها به سبک امپراتوری‌های گذشته و روش نفوذ کنونی قدرت‌ها، طرح و ابسته‌سازی دولت‌ها را مدنظر دارند؛ تمرکز این طرح روی اردن، سوریه و لبنان است. در اردن از مدت‌ها قبل این طرح پیشرفت داشته و در سال گذشته با سقوط سوریه و روی کار آمدن جولانی در دمشق و تغییر رنوس حکومتی در لبنان، در دو کشور دیگر شام نیز این وابسته‌سازی شاهد رشد بوده است.

نکات

۱

از نظر تاریخی طی سلسله‌ها و هزاره‌های متمادی برخی از شهرها و موقعیت‌های جغرافیایی خاص در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا، مرکز حکومت‌های بزرگ منطقه بوده‌اند. شهر تیسفون و بعدها یکی از روستاهاش به نام بغداد در حکومت‌های اشکانیان، ساسانیان و عباسیان مرکز منطقه بوده‌اند. قسطنطنیه که بعدها استانبول نام گرفت، در دوران روم شرقی و امپراتوری عثمانی مرکزیت داشته است. مصر به مرکزیت شهر قاهره در دوران قاطمیان، ایوبیان و ممالیک چه به‌صورت مستقل یا در قالب عثمانی در منطقه ذی نفوذ بوده‌اند. همچنین دمشق یکبار در خلافت امویان به مرکزیت منطقه تبدیل شُشد و بعدها در قالب حکومت‌های محلی یا در چهارچوب حکومت‌های بزرگ، مرکز شام بود. صهیونیست‌ها برای تثبیت خود در شام و منطقه، شاید نیاز بی به تصور بر چنین مراکزی برای اعمال حکومت نداشته باشند؛ اما برای آن‌ها ضرورت دارد این پایتخت‌ها را تضعیف کنند.

اولویت‌ها برای رژیم صهیونیستی شامل قس، دمشق و بیروت می‌شود. تسلط کامل بر

قسس برای تثبیت در فلسطین و تسلط بر دمشق برای تثبیت در شام لازم است. در این بین بیروت نیز ظرفیت‌هایی دارد و در دوره عثمانی بالاتر از دمشق مدت‌ها مرکز منطقه بوده است. صهیونیست‌ها یک‌بار در سال ۱۹۸۲ به بیروت دست یافتند؛ اما پس از مدتی به دلیل دشواری از آن عقب‌نشینی کردند.

۲

برهه‌ای انگلیس قصد داشتت یک امپراتوری عربی با سلسله‌ای از حکومت‌های مجزا اما مرتبط عربی در منطقه ایجاد کند تا بتواند به طور کامل بر آن مسلط شود. صهیونیست‌ها به طور مشابهی قصد دارند امپراتوری مطلوب آمریکا در منطقه شوند؛ اما فاقد ظرفیت‌های لازم‌اند.

۳

صهیونیست‌ها از مشکلات جمعیتی رنج می‌برند و برای حل آن به سمت برخی راه‌حل‌ها گام‌بر خواهند داشت. مدتی این راه‌حل آسان گرفتن شرایط احراز یهودیت بود. از این رو افرادی تحت عنوان یهودی به سرزمین‌های اشغالی راه یافتند که علمای یهودی آن‌ها را به رسمیت نمی‌شناسند. احتمال دارد برای تل آویو جلب چند میلیون از جمعیت یهودیان کافی باشد، یا این احتمال می‌رود بار دیگر برخی از کسانی که ره‌گه‌های ضعیفی از یهودیت دارند، به رژیم جلب شوند. یک اقدام دیگر به راه‌افتادن موجی در میان برخی مسیحیان صهیونیست برای گرویدن به دین یهود و سپس مهاجرت به رژیم صهیونی است.

یک مسیر دیگر تسهیل ورود مسیحیان صهیونیست است که احتمال وقوع آن بعد به نظر می‌رسد؛ آن‌ها پیش از این در جنگ‌های صلیبی ده‌ها سال فلسطین و ساحل شرقی مدیترانه را با انتقال جمعیتی از اروپا اشغال کرده بودند؛ اما در شکل جدید، این مأموریت بر عهده صهیونیست‌ها قرار گرفته‌است. با این حال احتمال می‌رود دسته‌های مسلح او انجلیست‌ها راست‌های افراطی در مجموعه غرب برای حفاظت امنیتی از رژیم صهیونی در مرزهای ادعایی آن مستقر شوند.

منابع تحقق روْیای صهیونیست‌ها

۱

مقاومت تنها مانع صهیونیست‌هاست و دیگران از قدرت‌های بین‌المللی تا دولت‌های قوی منطقه مانند ترکیه، عربستان سعودی و مصر نه تنها مانع نیستند؛ بلکه به‌عنوان تسهیل‌گر عمل می‌کنند. مقاومت اما در اشکال مختلف خود با ایجاد مشکلات متعدد و پایدار که راه‌حل‌های نظامی و فرهنگی را دشوار می‌سازند، سرعت پیشروی دشمن را می‌کاهد.

۲

صهیونیست‌ها برای ایجاد تغییرات مدنظر خود به سال‌ها زمان نیاز دارند؛

اما مشکل آنجاست که تغییرات جهانی این فرصت را به آن‌ها نمی‌دهد.

۳

یکی از پیش‌ترن‌های گسترش منطقه‌ای رژیم صهیونی سیاست آمریکا در کاهش توجه به غرب آسیا برای تمرکز بر حوزه آسیا-پاسفیک است. از این رو مطلوب آمریکا گسترش و تقویت رژیم صهیونی است تا در زمان کاهش توجه آمریکا به غرب آسیا، منافع واشنگتن حفظ شود. صهیونیست‌ها از یک‌سو خواهان تبدیل شدن به جایگزین آمریکا در منطقه و کسب سودهای کلان هستند و از سوی دیگر احساس می‌کنند چاره‌ای نیز ندارند؛ زیرا در صورت بروز خلأ قدرت دیگران در پی پرکردن آن بر می‌آیند. واقعیت ماجرا اما همان ناچار بودن صهیونیست‌هاست نه مطلوبیت‌ها. تل آویو قادر به جایگزین‌شدن با آمریکا نیست؛ اما راهی جز آن هم ندارد. آمریکا قرار نیست منطقه را تخلیه کند؛ اما کاهش نیرو و توجه باعث دورشدن آمریکا از فضای درگیری مستقیم و عملیاتی می‌شود.

۴

صهیونیست‌ها اگر هم موفق به گسترش فوری خود در منطقه شوند قادر به کاهش تمرکز جمعیتی، امکاناتی و مدیریتی خود در ساحل غربی یعنی دو شهر تل آویو و حيفا نیستند. از این رو یک راه مهم برای جلوگیری از پیشروی صهیونیست‌ها و بی‌ثمر کردن پیشروی‌های صورت‌گرفته، زیر ضربه رفتن این دو شهر است.

تهدید دوجانبه دولت‌های عربی

حکومت‌ها و حاکمان از منافع خاصی بهره‌مند هستند و در قبال آن وظیفه دارند منافع کشورشان را تأمین کنند. دولت‌های عربی هر روز در حال مشاهده پر رنگ‌تر شدن تهدیدات رژیم صهیونی علیه خود هستند و وظیفه‌شان اقتضا می‌کند به سمت مقابله با آن بروند؛ اما با الحاکس خود در حال تقویت تل آویو هستند.

اگر این حکومت‌ها از کشور خود دفاع نکنند، قرارداد میان خود و ملت را برهم زده و ناگزیر با تزلزل مواجه می‌شوند، زیرا ملت‌ها برای تحقق منافع خود در پی راهای جایگزین از جمله جایگزینی حکومت‌کامبر می‌دارند. برآمدن انقلاب اسلامی ایران پس از وابستگی نظام شاهنشاهی به غرب، خیزش گروه‌های مقاومت فلسطینی در برابر جریان سازش‌کار و شکل‌گیری مقاومت لبنان در برابر مزدوران غرب و رژیم صهیونی، این روند را نشان می‌دهد. دولت‌ها و حاکمان عربی، قدرتشان از سمت رژیم صهیونی تهدید می‌شود و اگر در برابر آن ایستادگی نکنند است، با تهدید داخلی مواجه می‌شوند. (هیئت تحریر الشام قرار گرفتن در کنار ملت است، اما حکومت‌های منطقه‌ای و عربی عمدتاً تصمیم گرفته‌اند در کنار رژیم صهیونی مانده و گزیننه رویایی با ملت را انتخاب کنند.

آن سخن گفته شود، از فیدان و اردوغان یک سؤال کلیدی‌تر پرسیده شود؛ دقیقاً این تسلیحات و خدمات در اختیار کدام ارتش قرار خواهد گرفت؟!

اردوغان آرام و قرار ندارد

نکته مهم‌تر اینکه ترکیه خود نیز تضمینی در خصوص پایداری هیئت تحریر الشام در رأس مسند قدرت در دمشق از سوی واشنگتن و تل آویو دریافت نکرده است. بنابراین، اکثر قراردادهای تسلیحاتی آنکارا-دمشق ناظر بر سلاح‌های سبک، آموزش‌های کوتاه‌مدت نظامی و امکانات اولیه است. مبارزان وزارت دفاع سوریه در دمشق (توسط رژیم صهیونیستی)، آنکارا را به تجدیدنظر پنهان در برخی محاسبات بلندمدت و حتی میان مدت خود در کشور همسایه واداشته است. از سوی دیگر، مقامات دولت اردوغان هنوز به لحاظ روانی قادر به همضم هزینه‌های هنگفتی که در روند سقوط حکومت اسد صرف کرده‌اند، نیستند. به نظر می‌رسد مذاکرات پنهان و آشکار آنکارا با واشنگتن و تل آویو نیز در این خصوص ثمربخش نبوده‌اند و دوبار دیگر سلطه‌گر نیز حاضر به توضیح چرایی قواعد بازی از خود در قبال «سوریه پس‌اسد» و «ترکیه کنونی» نیستند؛ ترکیه از یک سو در پی گسترش نفوذ خود در سوریه و مقابله با شبه‌نظامیان کرده‌است که به صورت مستقل از دمشق (هیئت تحریر الشام کنونی) فعالیت می‌کنند، اما از سوی دیگر، احتمال تکرار مواجهه نظامی رژیم صهیونیستی و حکومت جولانی به صورت خودکار، ضریب احتیاط را در میان مقامات حزب عدالت و توسعه تشدید کرده‌است. رجب طیب اردوغان اخیراً در سخنانی اعلام کرده که عملیات نظامی اسرائیل در خاک سوریه به تهدیدی برای ثبات این کشور محسوب می‌شود، اما از مواجهه مستقیم خودداری کرده‌است!